

## نقش مربی در شکوفایی استعداد های متریان از دیدگاه قرآن کریم



دریافت: ۱۴۰۴-۰۵-۲۹

بازنگری: ۱۴۰۴-۰۷-۲۶

پذیرش: ۱۴۰۴-۰۷-۲۷

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴-۰۸-۰۴

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.542269.1503> doi

رحمت شایسته فرد<sup>۱\*</sup>

سید مهدی سلطانی رنانی<sup>۲</sup>

مهدی ارجمندفر<sup>۲</sup>

مقاله: ترویجی

### چکیده

شکوفایی استعداد های فردی، یکی از کلیدی ترین ارکان توسعه علمی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه ای به شمار می رود. انسان ها، با مجموعه ای منحصر به فرد از توانایی ها، علاقه مندی ها و شیوه های یادگیری مواجه هستند. تفاوت های فردی که از همان ابتدای خلقت در انسان ها وجود دارد، ایجاد می کند که رویکردهای آموزشی نیز انعطاف پذیر و متناسب با این تنوع باشند. در این میان، نقش مربی به عنوان یک راهنما، تسهیل گر و الگو، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نوشتار حاضر با رویکردی قرآنی، و به روش توصیفی و با مطالعه کتابخانه ای به بررسی عمیق و جامع این نقش حیاتی می پردازد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که اصل تفاوت استعدادها از نظر قرآن کریم پذیرفته شده، «خواست خداوند متعال»، «تلاش فردی انسان»، «آزمایش الهی»، «شاکله شخصیتی افراد» و «خلقت متفاوت خداوند» از مهم ترین عوامل چنین تفاوت هایی است و نقش مربی در شکوفایی استعداد های متربی از نظر قرآن کریم عبارت است از: «تبیین مسیر هدایت و ضلالت»، «تربیت بر اساس وحی الهی»، «پاک سازی متربی از رذایل و ایجاد فضایل در جان وی»، «تقویت ایمان و روحیه توکل بر خداوند متعال در نهاد متربی»، «تقویت روحیه صبر و تحمل سختی ها در متربی»، «تبیین حکمت امور» و «توجه به رشد جامع متربی با استفاده صحیح از استعدادها».

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، استعداد، نقش مربی، شکوفایی استعدادها، تفاوت استعدادها.

### استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام. (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۰۰۰-۰۰۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.542269.1503>

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، گروه آموزش الهیات، معارف و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Dr.shayeste@cfu.ac.ir

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، گروه آموزش الهیات، معارف و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

## ۱. مقدمه

یکی از مؤلفه‌های مهم در پیشرفت و ارتقای معرفت افراد یک جامعه، توجه به میزان استعدادها و تنوع آن است که این امر در عرصه تربیت نشان‌دهنده پویایی و پایایی همه متریبان در عرصه‌های مختلفی چون تحصیل بوده و در قرآن کریم التفات نسبت به این موضوع صورت پذیرفته است (الطلاق/۷)؛ زیرا خداوند متعال نیز اشخاص را با ظرفیت‌ها و استعدادها متفاوت آفریده است. از طرفی هر کس متناسب با ظرفیت‌های خویش باید پاسخگو باشد (النساء/۳۲). در این میان، نقش مربی به عنوان یک راهنما، تسهیل‌گر و الگو، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آنجا که قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین کتاب در امر هدایت و تربیت، بهترین منبع در این زمینه است، تلاش می‌شود پس از بررسی علت وجود تفاوت استعدادها در بین انسان‌ها، نقش مربی در شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های درونی افراد، از نظر قرآن کریم واکاوی شده و حقیقت موضوع نمایان گردد. بنابراین، مهم‌ترین سؤال پژوهش حاضر به شرح زیر است:

– حکمت تفاوت در استعدادهای متریبان و نقش مربی در شکوفایی این استعدادها از نظر قرآن کریم چیست؟

با توجه به تأکید قرآن کریم بر تناسب تکلیف با استعدادها و ظرفیت‌های انسانی (البقره/۲۸۶)، ضروری است نقش معلم و مربی در این عرصه، تبیین گردد. مطابق با شناخت صحیح از وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مربی و متناسب با استعدادها و نیازهایش در شکوفایی آن‌ها مبتنی بر آیه ۷۳ سوره کهف که می‌فرماید: «قَالَ لَا تُؤَاخِذُنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا»؛ گفت: مرا به خاطر فراموشکاریم مؤاخذه مکن و به سبب این کارم بر من سخت مگیر، لازم است در امر آموزش جنبه تسهیل‌گری و پرهیز از سختگیری را در پیش گرفت (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۰۵) که زمینه‌ای مثبت در ایجاد انگیزه و تشویق مربی در شکوفایی استعداد نهفته وجودی‌اش و نیز فعالیت در عرصه علمی و آموزشی محسوب می‌گردد.

همچنین شناسایی و پرورش استعدادها باعث افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در فرد می‌شود. فرد با انجام کارهایی که در آن مهارت دارد، احساس ارزشمندی و توانمندی می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۱۴؛ ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۸۶). از طرفی، وقتی افراد در مشاغل مشغول به کار هستند که با استعدادهایشان همخوانی دارد، بهره‌وری بیشتری دارند و می‌توانند به نحو مؤثرتری به توسعه جامعه کمک کنند (الزخرف/۳۲)؛ چراکه مطابق این آیه، دلیل استعدادها گوناگون و تفاوت درجات، از آن جهت در نظام خلقت طراحی شده که انسانها بتوانند از ظرفیت‌های دیگران در امور اجتماعی استفاده کنند: «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (الزخرف/۳۲). به همین جهت، اگر همه انسانها از نظر استعدادها و ویژگی‌ها همانند یکدیگر باشند، بسیاری از امور اجتماعی مختل خواهد شد و کسی حاضر نیست برخی از مشاغل به ظاهر سطح پایین جامعه را عهده‌دار شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

در کتاب «از شناسایی تا شکوفایی؛ راهنمای کامل استعدادیابی و پرورش استعدادهای دانش‌آموزی» به قلم فروزان قاسمی‌بادی (۱۴۰۳)، تلاش شده راهکارهایی ارائه شود تا افراد و نهادهای آموزشی بتوانند استعدادهای دانش‌آموزان را در نقش مربی و به عنوان یکی از مخاطبان در عرصه فراگیری با استفاده از ابزارهایی مثل آزمون علمی، مشاهده، تحلیل رفتار، مصاحبه و نرم‌افزارهای تحلیل داده شناخته و به موانع استعدادیابی و رفع آن‌ها در این قشر فائق آیند. در ادامه، روش‌هایی برای پرورش و توسعه استعدادهای شناسایی شده در زمینه‌های شناختی و تحصیلی، هنری، ورزشی، شغلی و کارآفرینی پیشنهاد کرده است.

با مطالعه و بررسی نویسندگان، خلأهای پژوهشی مرتبط با موضوع مقاله در تحقیقات پیش‌گفته و سایر منابع، چنین است:

۱- به هیچ وجه با رویکرد قرآنی موضوع مورد تحقیق در این مقاله، بررسی نشده و یا بررسی‌های موجود با مسأله مورد نظر نویسندگان

این پژوهش ارتباطی ندارد.

۲- در منابع و تحقیقات موجود، به نقش مربی جهت شکوفایی استعدادهای متربی توجه نشده، یا به صورت گذرا و گفتارهای پراکنده بدان پرداخته شده است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود پژوهش حاضر با رویکرد قرآنی و الثفات ویژه به موضوع پژوهش، عمیقاً مبادرت ورزیده است و دریچه‌هایی نو از این مسئله را به روی مخاطبان و پژوهشگران گشوده است.

### ۳. مفاهیم محوری

۱-۳. استعداد

واژه «استعداد» در لغت به معنای آماده شدن، آماده گشتن، آمادگی کردن، مهیا شدن، تهیو و آمادگی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱۶۵). در برخی از فرهنگ‌های لغت عربی، واژه‌های «اعداد»، «اعتداد»، «استعداد» و «تعداد»، نزدیک به هم و به معنای آمادگی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۸۴؛ جوهری، ۱۹۹۰، م ۲، ص ۵۰۶) و آماده ساختن ذکر شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۰؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۰۲).

براساس معنای لغوی استعداد، دانشمندان رشته علوم تربیتی معنای اصطلاحی این واژه را چنین بیان کرده‌اند: استعداد مجموعه‌ای از توانایی‌های شخصی است که به مثابه آمادگی برای یادگیری تلقی شده و نوعی توانایی ارثی جهت موفقیت در تکلیف یا فعالیت خاصی با ظرفیت‌های متنوع محسوب می‌گردد (دهقان طرزجانی و بانسی، ۱۳۹۶، ص ۲). به عبارت دیگر، استعداد توانایی‌های بالقوه شناختی و فراشناختی افراد در زمینه یا زمینه‌های خاص تحصیلی، شغلی، هنری، ورزشی و غیره است که قادر بر نمایان ساختن وجه تمایز هر فرد با دیگران بوده، با پرورش آن، امکان موفقیت بیشتر و نیز سرعت بخشی در فرایند رسیدن به سطح نخبگی فراهم آید (زیوری رحمان و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۱).

۲-۳. تربیت

تربیت از نظر علم لغت، مصدر، و از ریشه «ر، ب، و» به معنای رشد کردن، بالیده شدن و قد برافراشتن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳). «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رُبُوًّا وَرِبَاءً: نشو و نمو» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۵)؛ یعنی چیزی اضافه شد و به رشد رسید. اما درباره اصطلاح تربیت در علوم تربیتی، نظرات متفاوتی وجود دارد. برای نمونه، از نگاه کانت، تربیت عبارت از ادب نمودن، پروراندن و یادگیری همراه با فرهنگ که به دنبال سعادت متربی در آینده جهت حضور در جامعه است؛ جامعه‌ای که بهتر از جامعه کنونی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۵). در اندیشه شهید مطهری، تربیت به معنی پرورش دادن و عبارت است از این که «استعدادهای بالقوه درونی موجود در یک شیء را پرورش داده و به فعلیت درآوریم». بنابراین این رویکرد کاملاً متفاوت با صنعت (= ساختن) به این معنا که شیء یا اشیایی را تحت یک نوع پیراستن‌ها و آراستن‌ها قرار می‌دهند و یا اجزاء و اشیایی را با هم ترکیب می‌کنند و نظمی میانشان برقرار می‌سازند، می‌باشد» (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۵۶ و ۷۶).

در تعریف اصطلاحی دیگری از تربیت، چنین آمده: «عوامل رشد، پروراندن و شکوفایی همه استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان را به جهت نیل به کمال و سعادت مطلوب برانگیخته و فراهم آوریم» (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۵). در پژوهش حاضر، معنای مختار و مد نظر از تربیت نیز همین است.

#### ۴. روش پژوهش

این نوشتار ضمن تعریف مفاهیم بنیادی پژوهش؛ مانند استعداد و تربیت، با رویکردی قرآنی به بررسی عمیق و جامع موضوع پرداخته، و با اتنا بر مطالعات و تحقیق کتابخانه‌ای، مقادیر مرتبط با مسأله مورد نظر را توضیح داده، تلاش می‌کند چارچوبی نظری برای مربیان در جهت پرورش استعدادها متنوع دانش‌آموزان ارائه دهد. از این رو، روش پژوهش در این مقاله، توصیفی تحلیلی با تکیه بر مطالعات و بررسی کتابخانه‌ای است.

#### ۵. یافته‌های پژوهش

۱. با توجه به تأکید قرآن کریم بر تناسب تکلیف با استعدادها و ظرفیت‌های انسانی (البقره/۲۸۶)، ضروری است نقش معلم و مربی در این عرصه، تبیین گردد.

۲. مطابق با شناخت صحیح از وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی متربی و متناسب با استعدادها و نیازهایش در شکوفایی آن‌ها مبتنی بر آیه ۷۳ سوره کهف که می‌فرماید: «قَالَ لَا تَأْخُذْ بِمَا نَسِيتَ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا»؛ گفت: مرا به خاطر فراموشکاریم مؤاخذه مکن و به سبب این کارم بر من سخت مگیر، لازم است در امر آموزش جنبه تسهیل‌گری و پرهیز از سختگیری را در پیش گرفت که زمینه‌ای مثبت در ایجاد انگیزه و تشویق متربی در شکوفایی استعداد نهفته وجودی‌اش و نیز فعالیت در عرصه علمی و آموزشی محسوب می‌گردد.

۳. همچنین شناسایی و پرورش استعدادها باعث افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در فرد می‌شود. فرد با انجام کارهایی که در آن مهارت دارد، احساس ارزشمندی و توانمندی می‌کند. از طرفی، وقتی افراد در مشاغلی مشغول به کار هستند که با استعدادهایشان همخوانی دارد، بهره‌وری بیشتری دارند و می‌توانند به نحو مؤثرتری به توسعه جامعه کمک کنند (الزخرف/۳۲)؛ چراکه مطابق این آیه، دلیل استعدادهای گوناگون و تفاوت درجات، از آن جهت در نظام خلقت طراحی شده که انسانها بتوانند از ظرفیت‌های دیگران در امور اجتماعی استفاده کنند: «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (الزخرف/۳۲). به همین جهت، اگر همه انسانها از نظر استعدادها و ویژگی‌ها همانند یکدیگر باشند، بسیاری از امور اجتماعی مختل خواهد شد و کسی حاضر نیست برخی از مشاغل به ظاهر سطح پایین جامعه را عهده‌دار شود.

۴. بین انسان‌ها تفاوت‌های فردی بسیاری وجود دارد که قرآن کریم در آیات متعدد به وجود آنها بین آدمیان اشاره نموده و فلسفه وجودی آنها را ذکر کرده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خواست الهی و خلقت متفاوت خداوند متعال، تلاش فردی، آزمایش الهی، شاکله شخصیتی افراد

۵. استعدادهای انسانی براساس اعمال و رفتارهایی که از آدمی سر می‌زند، در محدوده شاکله وجودی او شکل می‌گیرد و بدین جهت که افراد به‌سوی انجام اعمال و فعالیت‌های خارج از محدوده وجودی خود نروند، و تمنای توان و برخورداری از استعدادهای دیگران را نداشته باشند، بسیار مفید و حائز اهمیت است؛ زیرا اگر به شاکله و ارتباط آن در عرصه شکوفایی استعدادها توجه نشود، از رشد تفکر انسانی و بروز توانمندی‌ها و استعدادهای خاص آنها جلوگیری شده، و امکان بروز آسیب‌هایی چون حسد در وجود آنان می‌گردد.

۶. مطابق آیات قرآنی، مهم‌ترین نقشی که برای شکوفایی استعدادها و تربیان توسط مربی می‌توان استخراج کرد، شامل موارد زیر است؛ تبیین مسیر هدایت و ضلالت، تربیت بر اساس وحی الهی، پاک‌سازی متربی از رذایل و ایجاد فضایل در جان وی، تقویت ایمان و

روحیه توکل بر خداوند متعال در نهاد متربی، تقویت روحیه صبر و تحمل سختی‌ها در متربی، تبیین حکمت امور، توجه به رشد جامع متربی با استفاده صحیح از استعدادها.

## ۶. تفاوت استعدادهای انسان‌ها و حکمت‌های قرآنی آن

بین انسان‌ها تفاوت‌های فردی بسیاری وجود دارد که قرآن کریم در آیات متعدد به وجود آنها بین آدمیان اشاره نموده و فلسفه وجودی آنها را ذکر کرده است که می‌توان به موارد زیر پرداخت:

### ۱-۶. خواست الهی و خلقت متفاوت خداوند متعال

براساس علم الهی که بر همه موجودات علم و احاطه کامل دارد و مصلحت و ظرفیت‌های درونی بشری - از جمله دانش‌آموزان - آگاه است، جایگاه، توانایی علمی و منزلت آنان متفاوت است: «... تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (یوسف/۷۶)؛ رتبه‌های هر کس را بخواهیم و شایسته بدانیم، بالا می‌بریم؛ و برتر از هر دانشمندی، دانایی است و از همه برتر خداوند است (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۱، ص ۲۲۵).

در آیه «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (الشوری/۱۲)؛ کلید آسمانها و زمین فقط از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترده می‌سازد و یا تنگ می‌گرداند؛ چرا که او به هر چیزی داناست، مفهوم رزق، بر امور معنوی، از جمله تنوع استعدادهای انسانی، دلالت دارد که لازم است هر موجود با شناخت لازم از خود و توجه به ظرفیت‌های درونی به کسب و استفاده از آنها بپردازد و در مسیر رشد شخصی با نظارت صحیح مربی بدن مبادرت ورزد. نیز مشیت خداوند بر این است که انسانها مبتنی بر نظام اسباب، ظرفیت‌ها، استعدادها و توانایی‌های وجودی خود را جستجو کنند و با تلاش حقیقی به نمایان‌سازی توانمندی‌ها بپردازند. همان‌گونه که در روایتی از وجود امام صادق (ع) می‌خوانیم: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸۳)؛ خدا خودداری و امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد.

شایان ذکر این که، بر اساس خواست الهی یکی از مهم‌ترین دلایل استعدادهای گوناگون انسانها را می‌توان تفاوت در نوع خلقت موجودات دانست که در آیات قرآن کریم بارها مورد تأکید قرار گرفته است. این تفاوت هم در بین موجودات، و هم در گروه‌های گوناگون وجود دارد:

جهت بررسی دیدگاه قرآن کریم در این زمینه، شایسته است ابعاد مختلف این مسئله را مورد توجه قرار دهیم. این ابعاد موارد زیر را شامل می‌شود:

### ۱-۱-۶. گروه‌ها و قبایل گوناگون انسانی

در ارتباط با موضوع مورد اشاره، قرآن کریم ملاک‌هایی از قبیل علم (البقره/۲۴۷؛ الزمر/۹)، سابقه (التوبه/۱۰۰)، امانت (الاحزاب/۷۲)، توانایی (البقره/۲۴۷) و هجرت و جهاد (التوبه/۲۰) را نیز دخیل دانسته، و سه اصل مهم را ذکر نموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات/۱۳)؛ «ای مردم! در واقع، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبایله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا خود نکه دارترین شماست؛ به راستی که خداوند دانای آگاه است»؛ اصل «مساوات در آفرینش زن و مرد»، اصل «تفاوت در ویژگی‌های بشری» و اصل اینکه «تقوا ملاک برتری» است (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۱۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، صص ۱۹۷-۱۹۶).

## ۱-۲. تفاوت در زبان و رنگ (ویژگی‌های ظاهری انسانها)

در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ لَلْعَالَمِينَ» (الزوم/۲۲)؛ و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌هایتان و رنگ‌های شماست؛ قطعاً، در آن‌ها نشانه‌هایی برای دانایان است.

یکی از راه‌های خداشناسی با نگرش به خلقت الهی انسان، توجه به این مسئله است و این موضوع بیانگر آن است که رنگ‌ها و زبان‌ها اصالت و ارزش نداشته، تنوع آنها نوعی ابتکار الهی و سازگار با حکمت خداوندی است. از این رو، انسانها با فهم و علم مبتنی بر استعداد خدادادی، به معرفت الهی دست یافته و از جهالت ناشی از تحقیر و تفاخر خود و جامعه انسانی مصون می‌مانند (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۷، ص ۴۳؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۹۰).

## ۱-۳. تفاوت درجات انسانی؛ حتی در بین پیامبران

در این باره قرآن کریم می‌فرماید: «وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا» (الإسراء/۵۵)؛ «و پروردگارت، به حال کسانی که در آسمانها و زمین هستند، داناتر است؛ و به بقیین، برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم؛ و به داود، زیور دادیم.»

مطابق آیه شریفه، مقصود از این فضیلت، برتری علمی و توجه به مواهب الهی آن است که توسط انسانهایی که خداوند به آنها ارزانی داشته، مورد استفاده و بهره‌برداری صحیح قرار می‌گیرد (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۷؛ طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۵، ص ۳۴۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۶۵).

## ۲-۶. تلاش فردی

از آنجا که هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه‌گیری است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (التجم/۳۹)؛ و این‌که برای انسان چیزی جز حاصل سعی و کوشش او نیست، لازم است مریبان در جهت شکوفایی استعدادهای متریان گام برداشته و آنها را به تلاش مستمر با ایمان به بقای عمل، دلگرم و تشویق نمایند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۳۳۵).

همچنین مطابق آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خِلَافَتَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (الأنعام/۱۶۵)؛ و او کسی است که شما را جانشینان خود در زمین قرار داد، و رتبه‌های برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داد، تا شما را در مورد آنچه به شما داده، بیازماید؛ به راستی که پروردگارت زودکیفر است؛ و قطعاً او بسیار آمرزنده و مهرورز است، برخی متریان جهت رشد فطری و تبلور عینی آن، به تلاش پیگیر و مبتنی بر مهارت‌های اکتسابی و عملکردی مبادرت ورزیده، که موجب شکوفایی استعدادهای ذاتی آنان در عرصه‌های گوناگون می‌شود و مریبان زمینه تحقق این مسیر را فراهم می‌نمایند.

## ۳-۶. آزمایش الهی

خداوند متعال همه انسانها را در بوته آزمون قرار داده که در زندگی و مسیر حرکت آنها، به عنوان سنت حتمی، همگانی (العنکبوت/۲)، ذومراتب و قطعی به شمار می‌آید و با به فعلیت رسیدن آزمایش الهی، استعدادها بالفعل شده و هدف اصیل آن، یعنی عبودیت و نیل به قرب الهی تحقق می‌یابد.

از آنجا که انسان از استعدادهای فطری برخوردار است که بر اثر راهنمایی‌های لازم، اراده فردی او شکوفا می‌شود و جهان هستی نیز

مخلوق خداوندی است که تمام زیبایی‌هایی هستی در او متجلی شده، ضروری است برای افزایش استعدادها و شکوفایی آنها تلاش نماید و به ارزش آن‌ها در جایگاه خود توجه کند (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۳۹۶). آزمایش الهی در این مسیر به عنوان یک راهبرد معنوی به انسان آگاهی و انتخاب لازم را القا می‌نماید و او را در عرصه قرب الهی محافظت می‌کند که بتواند در پیچ و خم‌های پیش رو استقامت نموده و در معرض انتخاب و موضع‌گیری‌ها، آن‌گونه که شایسته است، عمل کند (حاجی‌بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۲). همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (الأنعام/۱۶۵)؛ و او کسی است که شما را جانشینان خود در زمین قرار داد، و رتبه‌های برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داد، تا شما را در مورد آنچه به شما داده، بیازماید؛ به راستی که پروردگارت زودکیفر است؛ و قطعاً او بسیار آمرزنده و مهرورز است. در این آیه، ضمن اشاره به استعدادهای گوناگون و وجود تنوع در موهبت‌های جسمانی و روحانی انسان‌ها، به مقصود و غایت نهایی این تفاوت‌ها اشاره نموده، و فرموده: «رتبه‌های برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داد، تا شما را در مورد آنچه به شما داده، بیازماید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۶۹).

#### ۴-۶. شاکله شخصیتی افراد

شاکله از ماده اصلی «ش، ک، ل» و در لغت به معنای شبه و مانند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۵۶)، عادت و سبیه‌ای که شخص را مقید کرده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶۲)، طبیعت و نوع خلقت (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۰۲) و راه و روش (عضیمه، ۱۳۸۰، ص ۳۳۰) است. براساس آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ...» (الإسراء/۸۴)، هر کس که بر نهاد و سرشتی که او را مقید کرده، عمل کند، اطلاق می‌گردد؛ زیرا قدرت طینت و سرشت بر انسان غالب و قاهر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۴۶۲-۴۶۳؛ قرشی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۵).

استعدادهای انسانی براساس اعمال و رفتارهایی که از آدمی سر می‌زند، در محدوده شاکله وجودی او شکل می‌گیرد و بدین جهت که افراد به سوی انجام اعمال و فعالیت‌های خارج از محدوده وجودی خود نروند، و تمنای توان و برخورداری از استعدادهای دیگران را نداشته باشند، بسیار مفید و حائز اهمیت است؛ زیرا اگر به شاکله و ارتباط آن در عرصه شکوفایی استعدادها توجه نشود، از رشد تفکر انسانی و بروز توانمندی‌ها و استعدادهای خاص آنها جلوگیری شده، و امکان بروز آسیب‌هایی چون حسد در وجود آنان می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۳، ص ۱۹۰).

مطابق آیه مذکور، انسان دارای هر نوع شاکله یا شخصیت و صفت روحی که باشد، بر اساس آن عمل خواهد کرد و تجسم اعمال بدنی او نیز همان صفات روحی وی خواهد بود. بدین ترتیب، در آیه مذکور عمل انسان، بر شاکله و شخصیت وجودی او استوار گردیده است و این موضوع، ارتباط ملکات نفسانی و اعمال روحی با اعمال بدنی را مبتنی بر استعدادهای درونی نمایان می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۳، ص ۱۹۰؛ ابوالحسنی، اسمعیلی و بهرامی احسان، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶).

تاکنون دلایل تفاوت استعدادها و حکمت‌های قرآنی آن تبیین گردید. در ادامه، به کاربرد این حکمت‌ها و نقش مربی در این عرصه و شکوفایی استعدادها مبتنی بر این حکمت‌ها اشاره می‌شود.

#### ۷. نقش مربی در شکوفایی استعدادها متریان

همان‌گونه که در معنای تربیت گفته شد (قسمت ۴-۲)، وظیفه اصلی مربی آماده‌سازی زمینه‌های لازم برای بروز استعدادها درونی تربی است که بتواند در آنها ایجاد حرکت نموده، و راه رشد را بدان‌ها نشان دهد. مطابق آیات قرآنی، مهم‌ترین نقشی که برای شکوفایی

استعدادهای متربی‌ان توسط مربی می‌توان استخراج کرد، شامل موارد زیر است؛

### ۱-۷. تبیین مسیر هدایت و ضلالت

مهم‌ترین گام در شکوفایی استعداد‌های انسان، گام برداشتن در مسیر هدایت و تربیت خداوند است. بنابراین نخستین و مهم‌ترین وظیفه مربی آن است که در راستای شکوفایی استعداد‌های متربی، وی را در مسیر بندگی قرار داده، او را با آیات الهی و معارف دین آشنا سازد. همان‌گونه که نخستین وظیفه پیامبران الهی و نخستین مربیان بشر، تلاش جهت دعوت مخاطبان به مسیر عبودیت و اجتناب از طاغوت بود (التَّحَلُّ/۳۶).

قرآن کریم پاسخ دادن به دعوت خدا و رسول او را باعث زنده شدن انسان که همان زندگی حقیقی است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۴۳) برمی‌شمارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» (الأَنْفَال/۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و فرستاده اش را بپذیرید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد.

اگر در روایات، مصداق «لما یحییکم» اسلام (طبری، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۱۰۴) و ولایت حضرت علی (ع) (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۴۱) بیان شده، از همین جهت است که کامل‌ترین مسیر هدایت، در اسلام حقیقی - که همان مذهب شیعه است - تجلّی یافته است (المائده/۳).

### ۲-۷. تربیت بر اساس وحی الهی

از آنجا که انسان موجودی مختار و دارای قدرت انتخاب است، مربی در ابتدا تلاش می‌کند مسیر هدایت و ضلالت را برای متربی تبیین نماید که در قسمت قبل بیان شد؛ اما علاوه بر تبیین علمی و تقویت بعد شناختی و معرفتی متربی، لازم است تربیت وی نیز بر اساس وحی الهی محقق گردد؛ «... وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...»؛ (الانبیاء/۷۳) تا متربی در مسیر صحیح هدایت شود و از انحرافات فکری و عملی مصون بماند. به عبارت دیگر، مربی در این مسیر، گام به گام تلاش می‌کند متربی را با خود همراه نموده، او را از مسیر کژی‌ها، به راه سعادت رهنمون سازد که در فرهنگ قرآن تحت عنوان «هدایت به امر» از آن یاد می‌شود.

علامه طباطبایی (ره) معتقد است امام، هدایت کننده‌ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد، هدایت می‌کند، پس امامت از نظر باطن، یک نحوه ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد، و هدایت او مانند هدایت پیامبران و رسولان و مؤمنان، تنها راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنه نیست؛ بلکه هدایت امام، دست خلق را گرفتن و به راه حق رساندن است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۷۲).

مطابق این آیه، هدایت به امر خداوند که در این آیه مطرح شده است، تنها با انجام خیرات، از جمله برپایی نماز و پرداخت زکات و در یک کلام «عبودیت خداوند» می‌تواند محقق گردد. بنابراین هدایت که به تعبیری، رساندن موجودات به استعداد بالقوه وجود آنان است (طه/۵۰)، در انسان براساس عبودیت و مسیری که خداوند به واسطه پیامبران برای انسان تبیین نموده، محقق خواهد شد. اینجاست که پیامبران به عنوان الگوهای برتر، با رفتار عملی خود تربیت را براساس وحی الهی رقم زده، زمینه‌ساز شکوفایی استعداد‌های انسانها می‌گردند.

### ۳-۷. پاک‌سازی متربی از رذایل و ایجاد فضایل در جان وی

از دیگر نقش‌های مربی جهت شکوفایی استعداد‌های متربی، پاک‌سازی و زدودن روح وی از صفات ناپسند مانند کبر، حسد، بخل و دروغ و تلاش برای ایجاد فضایل اخلاقی مانند تواضع، صداقت، ایثار و شجاعت در جان متربی است. چنان‌که قرآن کریم این مطلب را

درباره پیامبر اکرم (ص) (البقره/۱۵۱؛ آل عمران/۱۶۴؛ الجمعة/۲) و حضرت ابراهیم (ع) (البقره/۱۲۹) بیان کرده است.

این مهم با استفاده از روش‌هایی همانند شناخت رذایل و فضایل، تبیین آثار سوء رذایل و فواید برخورداری از فضائل، ارائه راهکارهای عملی برای مقابله با رذایل، ارائه الگوی عملی از افراد صالح، تغییر محیط، تشویق و ترغیب و... انجام می‌شود.

#### ۴-۷. تقویت ایمان و روحیه توکل بر خداوند متعال در نهاد متربی

مهم‌ترین نقطه تمایز تربیت دینی و غیر دینی، خدامحوری در تربیت است. خدامحوری به این معناست که انسان در زندگی خود، همواره در تمام رفتارهای فردی و اجتماعی به خداوند توجه کند و آن‌گونه که خداوند می‌خواهد، عمل نماید تا به مقام قرب و رضای الهی نائل آید (الذاریات/۵۶).

هم‌نشینی واژه «ایمان» و «توکل» در آیات متعدّد قرآنی، دلیلی است بر این مدّعا (آل عمران/۱۲۲ و ۱۶۰؛ المائده/۱۱ و ۲۳؛ الانفال/۲؛ التوبه/۵۱؛ یونس/۸۴؛ ابراهیم/۱۱؛ النمل/۹۹؛ العنکبوت/۵۸ و ۵۸؛ المجادله/۱۰؛ الممتحنه/۴؛ التغابن/۱۳؛ الملک/۲۹)؛ ضمن آن‌که قرآن کریم یکی از وظایف اصلی مؤمنان را توکل بر خداوند ذکر می‌کند (آل عمران/۱۲۲، ۱۶۰؛ المائده/۱۱؛ التوبه/۵۱؛ یوسف/۶۷).

قرآن کریم از زبان پیامبران الهی می‌فرماید: «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (ابراهیم/۱۱)؛ فرستادگان‌شان به آنان گفتند: ما جز بشری همانند شما نیستیم، ولیکن خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد منت می‌گذارد [و نعمت نبوت به او عطا می‌کند] و برای ما شایسته نیست که خز به رخصت خدا، برای شما دلیلی بیاوریم و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند.

در این آیه به صراحت، سپردن امور به خداوند متعال که با اصطلاح «توکل» نامبردار است، از زبان رسولان که مربیان خداوند هستند، تأکید شده است. در آیه بعد، دلیل اصلی توکل بر خداوند، با بیانی زیبا ترسیم شده: «وَ مَا لَنَا إِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم/۱۲)؛ و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه هایمان رهبری کرده است؟ و قطعاً بر آزارهایتان بر ما، شکیبایی خواهیم کرد؛ و توکل کنندگان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند.

پیامبران در این آیه، در مقابل مخالفان تصریح می‌کنند که چون خداوند راه را به ما نشان داده، سزاوار نیست بر او توکل نکنیم و هر انسان مؤمنی شایسته است که بر وی توکل نماید. بنابراین پیامبر که اسوه عملی مؤمنان و مربی نمونه خلقت است، بر خدا توکل می‌کند و برای متربیان نیز این موضوع را ضروری می‌داند؛ چرا که بینش توحیدی انسان مؤمن آن است که با تکیه بر خداوندی که همه‌کاره هستی، قادر و عالم مطلق است، می‌توان در بهترین مسیر هدایت که همان مسیر شکوفایی استعدادهاست، گام برداشت.

#### ۵-۷. تقویت روحیه صبر و تحمل سختی‌ها در متربی

در ماجرای حضرت موسی (ع) و عبد صالح (خضر) که نقش مربی را برای آن حضرت ایفا می‌کند، می‌توان به وضوح پرورش صبر در متربی را مشاهده کرد؛ در گام نخست، زمانی که موسی (ع) درخواست پیروی از وی جهت رسیدن به رشد را مطرح می‌کند، حضرت خضر هشدار می‌دهد که تو نمی‌توانی همراه من صبر کنی؛ چرا که احاطه علمی نداری (الکهف/۶۸-۶۷). براساس این آیات، از وظایف مهم مربی در برابر متربی، تقویت روحیه صبر، به ویژه صبر بر طاعت است. بنا بر تجربه نیز اثبات شده که کسانی که سختی بیشتری در زندگی تحمل کرده‌اند، از روحیه قوی‌تری برخوردارند و به موفقیت بیشتری دست یافته‌اند (شایسته فرد و غلامی، ۱۳۹۹، ص ۹۶).

امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۴۵ (خطاب به عثمان بن حنیف)، پس از آن‌که از حاضر شدن وی بر سفره‌ای که تنها ثروتمندان حاضر

بودند، اظهار ناخرسندی نمودند و بیان نمودند که امام شما از دنیا به دو قرص نان و دو جامه اکتفا کرده است، در ادامه، برای این که مخاطبان گمان نبرند که کسی که چنین غذایی دارد، در برابر هم‌اوردان و شجاعان دچار ضعف خواهد شد، به درخت بیابانی مثال می‌زنند و می‌فرمایند: «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُدَاً وَالرَّوَاتِعَ الْأَخْضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَ النَّائِبَاتِ الْعُدِيَّةَ أَقْوَى وَفُوداً وَ أَبْطَأُ حُمُوداً»؛ آگاه باشید درختان بیابانی، چوبشان سخت‌تر، و درختان کناره جویبار پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتش چوبشان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۸). بنابراین مربی لازم است در مسیر تربیت، با طراحی سختی‌های هوشمندانه، زمینه رشد متربی را فراهم آورد.

#### ۶-۷. تبیین حکمت امور

یکی از وظایف مربی در راستای شکوفایی استعداد دانش‌آموزان، آموزش حکمت به متربی و توجه دادن وی به هدفمندی امور است (البقره/۱۲۹؛ آل عمران/۱۶۴ و الجمعة/۲). از آنجا که حکمت، معیار خیر کثیر و شایستگی در عرصه تربیت و عمل تربیتی است، لازم است متربی را از حقایق برنامه‌های دینی آگاه نمود. از این رو، پرورش پاکي، تقوا و تلاش متعهدانه متربی توسط مربی، خود زمینه‌ای کارساز جهت رفتار مطلوب انسانی و دستیابی به بصیرت و بینش الهی است. به عنوان نمونه، در قرآن کریم حکمت تشریح کارهایی همچون نماز که به منظور برپایی یاد خداوند (طه/۱۴) و دوری از فحشا و زشتی‌ها (العنکبوت/۴۵)، روزه که تمرینی برای خویشتن‌داری (البقره/۱۸۳) و پرهیز از شراب و قمار به منظور دوری از دشمنی و کینه‌ورزی (المانده/۹۱) ذکر شده است. در امور تربیتی نیز گفتار، رفتار و تصمیم حکیمانه باید به متربی القا گردد (الکهف/۸۲-۷۹)؛ مانند تنبیه و تشویق، تغافل و تحمل و نگاه حکیمانه. از این رو، بایسته است مربی در عرصه تربیت متربی، با این رویکرد، او را از سطحی‌نگری و بی‌توجهی به عاقبت امور دور کرده، و از نزاع‌های بیهوده پرهیز دهد (قرآنی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵).

#### ۷-۷. توجه به رشد جامع متربی با استفاده صحیح از استعدادها

قرآن کریم در راستای پرورش انسان، به همه ابعاد وجودی و نیازهای وی اهتمام دارد. از این رو، در نظام تربیتی اسلام، به ظرفیت‌های وجودی متربی به عنوان انسان متعالی توجه شده، تلاش می‌شود همه استعداد‌های وی شکوفا گردد و تربیتی همه‌جانبه طرح‌ریزی و اجرا گردد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۵۸). از این رو، مربی، تنها مسئول توسعه و رشد علمی یا رشد جسمی متربی نیست؛ بلکه باید رشد جامع او را در دستور کار قرار دهد. به همین منظور، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ساحت‌های ششگانه تربیتی<sup>۱</sup> توجه می‌گردد (ر.ک: داوودی و کارآمد، ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۵۵)؛ زیرا اگر به علم متربی اضافه شود و بصیرت او نیز ارتقا یابد، قدرت تشخیص، بینش و موضع‌گیری‌های سیاسی او نیز افزایش می‌یابد. مهم‌ترین ابعادی که در قرآن کریم از زبان خداوند (نخستین مربی انسان) و پیامبران الهی مطرح شده، و لازم است مربی به منظور شکوفایی استعداد‌های همه‌جانبه دانش‌آموزان به آنها توجه نماید، به شرح زیر است:

#### ۱-۷-۷. رشد معنوی و اخلاقی

تأکید بر مفاهیمی همچون تقوا، صبر، توبه و ... از زبان پیامبران که بیانگر مهم‌ترین مسئولیت‌های مربی در قبال متربی، به منظور رشد معنوی اوست، بر این بُعد دلالت دارد که چند نمونه بیان می‌شود:

۱. منظور از ساحت‌های ششگانه تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ سیاسی و اجتماعی؛ زیستی و بدنی؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ علمی و فناوری؛ هنری و زیبانشناسی است.

تأکید بر رعایت تقوا، از زبان پیامبرانی همچون نوح (الشعراء/۱۱۰)، هود (الشعراء/۱۲۴)، صالح (الشعراء/۱۴۲)، لوط (الشعراء/۱۶۱)، شعیب (الشعراء/۱۷۷)، عیسی (الزخرف/۶۳) و محمد (الطلاق/۱).

توصیه به صبر از زبان موسی (الاعراف/۱۲۸)، شعیب (الاعراف/۸۷)، پیامبر اکرم (الانفال/۴۶)، و توصیف برخی از پیامبران الهی به صبر مانند ایوب (ص/۴۴) و یعقوب (یوسف/۸۳).

دستور به توبه به درگاه خداوند از زبان حضرت موسی (البقره/۵۴)، محمد (هود/۳)، هود (هود/۵۲)، صالح (هود/۶۱) و شعیب (هود/۹۰).

#### ۷-۲. رشد علمی، فکری و عقلی

تأکید بر جایگاه کسب علم و دانش در قرآن کریم در همین راستاست. از جمله، تأکید قرآن کریم بر دانش در نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) (العلق/۴)، برابر نبودن دانایان و نادانان (الزمر/۹) و دستور به مهاجرت جهت تفقه در دین و آموزش به دیگران (التوبه/۱۲۲)، به تلاش قرآن کریم برای رشد مخاطبان در این زمینه دلالت دارد. بر همین اساس، در نخستین خطبه نهب البلاغه، به نقل از امیرالمؤمنین (ع) یکی از مهترین اهداف بعثت پیامبران به عنوان مربیان بشریت در جهان، برانگیخته نمودن عقل پنهان شده مردم عنوان شده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳). از این رو، به یقین یکی از وظایف مربی، توجه به رشد متریبان در این زمینه است.

#### ۷-۳. رشد جسمی

قرآن کریم درباره گروهی از بنی اسرائیل بعد از حضرت موسی (ع) که از پیامبر خود درخواست زمامدار نمودند تا در راه خدا پیکار کنند، و آن پیامبر از جانب خداوند، «طالوت» را معرفی نمود، نقل می‌کند که آنان اعتراض کردند که طالوت هیچ مالی ندارد! اما قرآن کریم پاسخ دندان شکنی را که آن پیامبر به گمراهان بنی اسرائیل داد، چنین بازگو می‌کند: «گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و او را از نظر علم و (قدرت) جسم وسعت بخشیده است» (البقره/۲۴۷). اگر زمامدار انتخابی از سوی خداوند، دارای علم و قدرت بیشتری نسبت به مردم است، پس مربی نیز جهت رشد متریبی لازم است به این دو جنبه، به صورت ویژه توجه نماید؛ چراکه رشد جسمی مناسب، زمینه‌ساز خدمت به جامعه و مبارزه با دشمنان است و بر مربی لازم است به رشد جسمی متریبان اهمیت دهد.

پیامبر اسلام (ص) نیز توصیه کرده‌اند مسلمانان به فعالیت‌های بدنی و ورزشی بپردازند و جسم خود را قوی و سالم نگه دارند. از جمله می‌توان به توصیه به تیراندازی و شنا در روایتی از آن حضرت اشاره کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷).

#### ۷-۴. رشد اجتماعی و سیاسی

قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین اهداف ارسال رسولان و نازل کردن کتاب و میزان با آنان را «اقامه قسط» توسط مردم بیان می‌کند (الحديد/۲۵). بدیهی است به منظور اقامه قسط، تشکیل حکومت لازم است که امری سیاسی و اجتماعی است. از همین رو، پیامبران با دستورهایی که از جانب خداوند برای مردم بیان می‌کنند، تلاش می‌کنند در راستای اقامه قسط و داد، مردم را در این زمینه آماده نمایند. به همین جهت است که اغلب دستورهای مطرح شده در قرآن کریم دارای بعد اجتماعی و سیاسی است و احکام فردی دین اسلام بسیار ناچیز است. برای نمونه، نماز که به ظاهر یک ارتباط فردی بین انسان و خداوند متعال است، به جماعت خواندن (برای نمونه، ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۸۹) و در مسجد برگزار شدن (برای نمونه، ر.ک: برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۷) را همراه خود دارد؛ تا زمینه‌ای برای ارتباط مسلمانان با یکدیگر و رسیدگی به امور ایشان را فراهم آورد.

در خود نماز نیز با عباراتی همچون «نفی عبودیت غیر خدا» (لا اله الا الله) و دوری جستن از کسانی که مورد غضب خداوند قرار

گرفته و کسانی که گمراه شده‌اند (الفاتحه/۷) مسیر حقیقی هدایت را از خداوند طلب می‌کنیم.

از دیگر احکام مهم اجتماعی اسلام، حسن معاشرت با مردم (البقره/۸۳)، عدالت و انصاف در برخورد با مردم (التحل/۹۰) است. نیز از این جمله، فریضه‌های امر به معروف و نهی از منکر است که ضامن رشد و سعادت جامعه است و در آیات متعدّد قرآن کریم و روایات بر آن پافشاری شده (برای نمونه، ر.ک: آل عمران/۱۰۴) و از کمترین سطوح فردی تا بالاترین مرتبه‌های مبارزه با ظلم و تعدی را شامل می‌شود. حضرت لقمان (ع) نیز در سفارش‌های خود به فرزندش بر این دو فریضه اصرار دارد (لقمان/۱۷).

عدم پذیرش ولایت کافران (النساء/۱۴۴)، نپذیرفتن ولایت یهود و نصارا (المائده/۵۱) و دشمن‌شناسی (برای نمونه، ر.ک: البقره/۹۸؛ الانعام/۱۱۲؛ الانفال/۶۰؛ فاطر/۶؛ یس/۶۰)، از نمونه‌های احکام مهم سیاسی اسلام است که در قرآن کریم مورد اهتمام است. حال که مشخص شد این امور سرلوحه فعالیت پیامبران الهی به عنوان مربیان انسانهاست، آشکار می‌گردد مربی نیز که جا پای پیامبران می‌گذارد، لازم است به این موارد اهتمام ورزد و زمینه رشد متربی در این زمینه‌ها را نیز فراهم آورد.

## ۷-۵. رشد اقتصادی و مالی

یکی از مهم‌ترین نیازهای زندگی بشر، نیازهای اولیه اقتصادی و مالی اوست. این موضوع از نظر آموزه‌های دینی نیز فراوان مورد تأکید قرار گرفته است و علاوه بر آیات قرآن کریم، اهتمام پیامبران نیز بر این موضوع فراوان است. برای نمونه، حضرت شعیب (ع) ضمن توجه به رشد اقتصادی قوم خویش، با عمل به دستورهای خداوند، موجب ترویج کار و تلاش و نهادینه کردن عدالت، به واسطه مقابله با فساد اقتصادی، همچون کم‌فروشی (المطففین/۱) و اسراف (الشعراء/۱۵۱) زمینه رشد متربی‌ان را فراهم می‌نمود.

همچنین قرآن کریم توجه به رزق حلال (البقره/۱۶۸)، انفاق به نیازمندان (البقره/۲۵۴؛ النور/۲۲)، پرداخت خمس (الانفال/۴۱)، پرداخت زکات (البقره/۴۳)، پرهیز از رباخواری (البقره/۲۷۸) و دیگر مسائل مالی را در همین راستا بیان می‌کند. از آنجا که پیامبران در رأس مربیان بشر قرار دارند، از سیره ایشان می‌توان این موضوع را به کسانی که در این جایگاه قرار دارند، تسری داد. بنابراین از دیگر وظایف مربی، تلاش وی جهت رشد اقتصادی و مالی متربی است.

## نتیجه‌گیری

پس از بررسی آیات قرآن کریم در زمینه تفاوت استعداد‌های متربی‌ان مشخص گردید: وجود این تفاوت‌ها در افراد انسانی لازمه زندگی دنیاست. این تفاوت‌ها ناشی از عواملی همچون «خواست خداوند متعال»، «تلاش فردی انسان»، «آزمایش الهی»، «شاکله شخصیتی افراد» و «خلقت متفاوت خداوند» است و مربی به منظور شکوفایی استعداد‌های متفاوت متربی‌ان لازم است مسیر هدایت و ضلالت را برای متربی تبیین نموده، وی را بر اساس دستورهای وحی الهی تربیت نماید، زمینه پاک‌سازی او از رذایل و ایجاد فضایل در جان او را فراهم نماید. همچنین ایمان و روحیه توکل بر خداوند متعال و روحیه صبر و تحمل سختی‌ها را در نهاد متربی تقویت کند، حکمت امور گوناگون را برای او تبیین نموده، به رشد جامع او با استفاده صحیح از استعدادها توجه نماید.

## پیشنهاد علمی و پژوهشی

برای ادامه این مسیر، بایسته است پایش علمی صورت پذیرد و به طور خاص به جنبه‌های دینی و قرآنی به‌طور مستقیم در اسناد بالادستی تربیت کشور؛ همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شود. همچنین شیوه‌نامه‌ای مطلوب و کارآمد در راستای ارائه مشاوره به مخاطبان (مربی‌ان و متربی‌ان) طراحی گردد. نیز انجام مطالعات میدانی درباره موضوع مقاله در عرصه پژوهش‌های بالینی به پژوهشگران توصیه می‌گردد.

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

### حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

### فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (صبحی صالح، محقق).

ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة (محمد عبدالسلام هارون، محقق). مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. دار صادر.

ابوالحسنی، منصوره؛ اسمعیلی، معصومه؛ و بهرامی احسان، هادی. (۱۳۹۹). دلالت‌های قرآن پیرامون استعدادشناسی. فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های متفکران مسلمان،

۱۰(۱)، ۱۳۸-۱۰۷.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2020.77809>

بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. بنیاد بعثت.

برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. دار الکتب الإسلامیة.

بهشتی، محمد. (۱۳۸۷). مبانی تربیت از دیدگاه قرآن. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۹۰م). الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة. دارالعلم للملایین.

حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۹۷). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام. مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. مؤسسة آل‌البت علیهم السلام.

حسینی زبیدی، سیدمرتضی. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. دار الفکر.

داوودی، محمد؛ و کارآمد، حسین. (۱۴۰۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). فرهنگ دهخدا. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

دهقان طرزجانی، مهناز؛ و بانسی، علیرضا. (۱۳۹۶). چرا در ایران نمی‌توانیم استعدادیابی کنیم. سومین همایش بین‌المللی مدیریت استعداد ها در هزاره سوم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دارالقلم.

زبوری رحمان، محمود؛ و همکاران. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی استعدادیابی تحصیلی در ایران (مروری ساختارمند بر ادبیات انجام شده در سه دهه اخیر). فصلنامه مطالعات

اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۱۲(۳۹)، ۱۰۳-۱۴۰.

<https://doi.org/10.22034/emes.2022.547411.2346>

شایسته فرد، رحمت؛ و غلامی، عبدالله. (۱۳۹۹). اخلاق حرفه‌ای معلمی و تأثیر نگرش صحیح در پرورش متربی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۰(۳۸)، ۸۵-۱۱۲.

<https://doi.org/10.22081/jare.2020.58675.1553>

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۲). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. دارالمعرفه.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۲). جامع البیان عن تاویل آی القرآن. دارالهجر.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین و مطلع النیرین. مرتضوی.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین (هاشم رسولی محلاتی، مصحح). اسماعیلیان.

عضیمه، صالح. (۱۳۸۰). معنانشاسی واژگان قرآن. به‌نشر.

فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹). کتاب العین. هجرت.

- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور. مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۶). مهارت معلمی. مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرشی بنایی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه.
- قوامی شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم. نشر بیدار.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، مصحح). دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). تعلیم و تربیت در اسلام. صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه.

مقالات آماده انتشار